

نگهبانی، نبود پول بچه‌ها را سرکار می‌فرستد. حرف از پدر که به میان می‌آید، تمام خشم می‌دود به صورت و صدایش، «این سوالات برای چیه؟ چه اهمیتی داره کجا کار می‌کنم و برای چه؟» چهار میلیون و پانصد هزار تومان عایدی پسران است از یک ماهه نگهبان بودن. «مدرسه نمی‌تونم برم»، «ولید» مثل خیلی از پسران دیگر یک روز سر شیفت است و دو شب خانه. «یکی، دو روز در میان می‌رم مدرسه»، معلمان آشنا با درد و دل شاگردان، سخت نمی‌گیرند حضور و غیاب را. «معلم‌ها می‌دونن پول نداریم، پدرم زندانه»، حسابدار شدن رویای ولید است؛ شغلی که جرأت تحقق ندارد. «دوست دارم درس بخونم، اما مجبورم»، ولید مثل خیلی از پسران «جفیریک و دو» پایان خدمت ندارد و دوسر کار می‌رود. «پیمانکار فامیل بود، استخدام کرد»، چهار میلیون و پانصد هزار تومان همه‌عایدی خانه‌های پرجمعیت جفیریک و دو است. پولی که کفاف نان و آب خانه را نمی‌دهد.

«نه به خدا چه برسه، وضع اقتصادمون خوب نیست»، ولید حرف که به درس و آینده می‌رسد مکتومی کند؛ مکتبی طولانی.

«درس خوندم امثال مالکیه»

### زمین داریم، آب نداریم

پسران اینجا چوپان می‌شوند یا کارگر فصلی شرکت‌ها، کم‌کم می‌فهمند که قیدی هستند به استخوان‌ها وقت، وقت کار است.

کلاس دهمی است با سه سال سابقه کار. کاری که تمام توانش را می‌گیرد تا جانی برای پشت‌نیمکت نشستن نماند. «محسنم نیم‌بندمیرم مدرسه».

پدر و برادران فصلی می‌روند سر کار. «هر روز میرم سر کار حتی روزهای تعطیل، والله» غیبت پایان خدمت یعنی نداشتن بیمه. «من چهار میلیون می‌گیرم».

خیلی وقت است شرکت‌ها بساطشان را اینجا پهن کرده‌اند. از هفت، هشت سال پیش. «همه آنجا کار می‌کنند، از جاهای دور می‌آیند، حتی از اهواز».

«شرکت بزرگه، همه کار داره؛ حراست، مهندسی، راننده هم داره»، پدر کارگر یک شرکت است و برادرش از شرکت دیگری حقوق می‌گیرد.

«هجده سرناله ایم، نمی‌رسد»، یکی سه میلیون می‌شود مزدش، دیگری چهار میلیون. بعضی هم چهار میلیون و نیم می‌برند خانه. «والله هر ماه می‌گیرم اما ناله بزرگه».

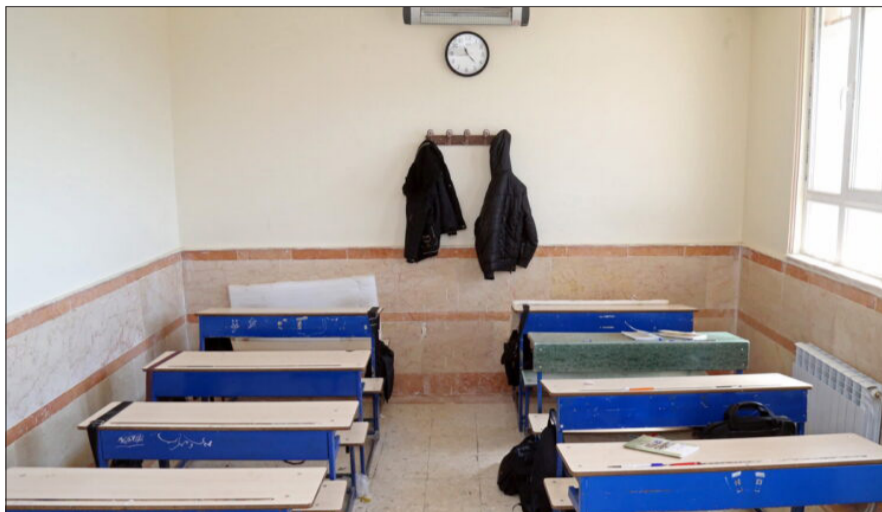
«محسن» از وقتی قد کشید، شد کمک خرج خانه. «برای خانه خرج می‌کنم، می‌ماند نه آن قدر، آوالله کمک خرج پدرم میرم سرکار».

سال‌هاست نفس کشاورزی در سینه حبس شده. آب نیست. «زمین داریم، آب نداریم، آوالله از اول هم آب نبود»، سرکار نژم چی بخورم؟ مدرسه میرم، کلاس دوازدهم، واسه چی؟ می‌بخورم؟ شرکت کار نمی‌کنم، اخراج شدم.

می‌گن معافیانه نداری؛ پایان خدمت، «لوله کش بودم، بعد ازنگ بزن».

«جلیل» مصیبتی است از اخراجش، پسری با رویای مهندسی در اهواز. «مامرز عراقیم، چاه می‌زنیم نمک می‌ده جای آب».

زبان فارسی رونق ندارد میان بچه‌ها، درس خواندن برایشان بی‌معناست. «سرکار نژم چی بخورم؟»



پسران و پسران می‌شوند کارگران شیفتی شرکت. حقوق سر ماه هم هست. «کار دایمی نیست. چند ماهی هست چند ماه نه»، دستگاه‌ها که حوصله‌شان سر می‌رود اهالی دوباره بیکار می‌شوند.

### درس خوندم امثال مالکیه

هفت سال پیش، دستبند دستان پدر را به اسارت بُرد. «ولید» ماند و چهار برادر و دو خواهر کوچک‌تر. پشت لب‌هایش سبز نشده بود که شدند نان آور خانه. «کارگری، بنایی کردم، برای مردم و عمو. حالا هم برای شرکت»، قدقواره‌اش به کلاس یازدهمی هانمی ماند. زد آفتاب بر چهره‌اش نشسته. دست‌اش به پدراها شبیه است تا دانش‌آموزی که قلم به دست می‌گیرد. دو ماهی است نامش در لیست نگهبانان شرکت ثبت شده. ولید... نگهبان. کلاس یازدهمی است. «برای چه می‌پرسی، چرا رفته زندان؟» با اعتماد به نفس حرف می‌زند. لحن کلامش به بیست و چند ساله‌ها می‌ماند. «دو ماهه میرم شرکت».

# حاضر سر شیفت، غایب در کلاس

«دانش‌آموزان (جفیر)» به جای درس و مشق نگهبان لوله‌های نفتی هستند

«لیلا مهداد» میان هویره و سوسنگرد اتراق کرده: «جفیر یک و دو» می‌نامندش محلی‌ها. زنگوله‌های گله‌های شتر و گوسفند هر صبح و عصر هیاهوی می‌کند میان خانه‌های روستا. زنان مشغول خانه‌اند و مردان در پی گله و شخم‌زدن و درو کردن زمین‌ها. آب خوردن کیمیاست، اما کانال‌ها از راه دور آب می‌رسانند به زمین‌ها برای سبزشدن و بار دادن بذرها. تولد اینجا رونق دارد. خانه‌ها بُرند از صدای بچه‌ها و نوحه‌ها. چند سالی است وقت مدرسه کوک است. مدرسه‌ای با دانش‌آموزانی که در کنار نگهبانی و چوپانی، سر کلاس‌ها حاضری می‌زنند، یکی، دو روز حاضری سر کار و یک روز حاضرگفتن سر کلاس. بعد از ظهرها هم گاهی سرگرم جمع کردن ضایعات برای فروش به دوره‌گردها هستند. معلم‌های آشنا به قصه بچه‌ها ساخت نمی‌گیرند به وقت حضور و غیاب. اینجا نه اخراج معنا دارد نه حضور و غیاب.

### درس خوندم برای ماگرونه

دام‌ها هستند؛ گله‌ای که قطاری می‌شود پی چوپان. کلاس پنجم که تمام شود، پسرانی می‌گیرند به گوشه لب. می‌گردن و چوب گرداندن برای گله، بازگردن بچه‌ها نان و ماست زیر آفتاب و آتش زدن هیزم‌ها برای چای می‌شود همه زندگی پسرک‌ها. مدرسه روستا سوادش به کلاس پنجم می‌رسد و بس. کاری برای اهالی نیست. گله‌ها هستند، خانه‌های بلوکی و اهالی. «کار باشه، میرم سرکار»، هر سال پنج میلیون تومان برای شان آب می‌خورد. «مدرسه می‌ریم روستای دیگه»، پول کتاب روی رخت و لباس با هزینه رفت و آمد می‌شود سالی پنج میلیون تومان. «درس خوندم برای ماگرونه»، پول بُرها کفاف درس خواندن بچه‌ها را نمی‌دهد. کشاورزی اینجا کساد است.

«هر سال کشاورزی نداریم»، هر چند سال یک بار شخم می‌افتد به جان زمین‌ها برای نشاندن بذرها. دستگاه‌های حفاری که رسیدند به روستاهای اطراف، اهالی دل بستند به روزهای خوش؛ به روزهایی که قرار شد آخر ماه پولی بیاید سرطاقچه خانه‌ها.

«محمد رضا» کلاس دهمی است همراه چهار پسر دیگر روستا. «مدرسه نبود، نفر ترک تحصیل کردن»، پنج نفری می‌روند روستایی دیگر برای مدرسه. پسرها یا گله‌هی می‌کنند یا شده‌اند نگهبان دستگاه حفاری. «بچه‌ها میرن سر کار»، اگر کار باشد «محمد رضا» هم می‌شود نگهبان یکی از ساعات. «قبول کنن، میرم سر کار. هم کار می‌کنم، هم درس می‌خونم»، پسرها کار را بی‌اندازند، اگر کاری باشد برای انجام.

«همه دوست دارن کار کنن، کار نیست»، دستگاه‌های حفاری که می‌رسند، چند ماهی

## دریچه

### ستاد کرونای پایتخت خواستار منع سفر و بازگشت دورکاری شد

روز گذشته در تهران ۱۶۲ نفر روانه بخش مراقبت‌های ویژه شدند



بیک سوم کرونا گسترده‌تر از قبل و با میزان سرایت بالا در تهران جولان می‌دهد. میزان ابتلا، بستری و مرگ و میر در پایتخت همچنان بالاست. به‌طور متوسط هفته‌ای هزار نفر در تهران به دلیل ابتلا به کرونا جان‌شان را از دست می‌دهند. بیماران کرونایی در تهران با علائم حاد به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند و بیشتر از قبل در مراکز درمانی ماندگار می‌شوند. همین امر باعث شد تا فرمانده مقابله با کرونا در کلانشهر تهران درخواست ممنوعیت سفر و اعمال جریمه برای افراد بی‌توجه به این مقررات را داشته باشد. علیرضا زالی می‌گوید: «تازمانی که رفت و آمد و تولید سفر در داخل شهر مدیریت نشود، این روند و چرخه و ویروس منحوس در تهران استمرار پیدا می‌کند».

به همین دلیل زالی علاوه بر پافشاری به ممنوعیت سفر، خواهان اعمال دورکاری کارکنان و کارمندان است: «همان‌گونه که بارها اعلام کرده‌ایم به نظر می‌رسد که با اعمال دورکاری، کم‌کم پیشنهاد ما و استانداری تهران تقلیل ظرفیت کارکنان در استان تهران حداقل برای یک تا دو هفته است که بتوانیم در این فرصت تولید سفرها در تهران را کم کنیم». آن‌طور که فرمانده ستاد کرونای تهران می‌گوید دورکاری، هم در کاهش آلودگی هوا موثر است و هم می‌تواند باعث کاهش تردهای درون شهری شود.

از همین روزالی و همکارانش در ستاد مقابله با کرونای تهران، بسته‌های پیشنهادی برای تقلیل سفرهای درون شهری و بین شهری تهیه کرده‌اند. این ستاد طی نامه‌ای به وزیر بهداشت درخواست کرده تا برای تعطیلات تجمیع هفته آینده تدابیری در زمینه ایجاد مداخلات منعی برای سفر و ایجاد مکانیزم جرایم اعمال شود.

زالی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به دیگر مشخصات بیک سوم شیوع کرونا هم اشاره کرد: «اکثر بیماران در بیک سوم به صورت خانوادگی مراجعه می‌کنند، در صورتی که در بیک اول و دوم این الگو کمتر مشاهده می‌شد». او ادامه داد: «۲۵ تا ۳۰ درصد مراجعان روزانه در مراکز درمانی استان تهران نیازمند دریافت خدمات مراقبت‌های ویژه در همان ابتدای ورود به بیمارستان‌ها هستند. روز گذشته در تهران ۱۶۲ بیمار مستقیماً در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شدند». به گفته رئیس ستاد مقابله با کرونا در استان تهران، شیب بیک سوم این بیماری در تهران همچنان صعودی است: «در صورتی که شروع بیک دوم بعد از یک افول نسبی نسبت به بیک اول بود، ولی بیک دوم و سوم به هم متصل شدند و یک حالت پیوستگی پیدا کردند که نگران‌کننده است، حتی بیک سوم در تهران هنوز حالت صعودی تلقی می‌شود و دچار کاهش شاخص نشده است». او افزایش مدت زمان بستری افراد بیمار در بیمارستان‌ها را از دیگر مشخصه‌های بیک سوم کرونا خواند و در این باره گفت: «چند اتفاق در جریانات اخیر افتاده که ما را از بیک دوم متمایز می‌کند، اول اینکه بیماران در شرایط بدحال‌تری مراجعه می‌کنند، دوم اینکه مدت اقامت بیماران در بیمارستان‌ها نسبت به بیک اول و دوم، حداقل بین ۱۲ تا ۲۳ روز افزایش داشته و طولانی‌تر شده است».

درآمد ۱۵ میلیاردی یک سوپر برداشت رسانه‌ای

آموزش و پرورش هیچ‌گاه محل اینترنت مصرفی شاد درآمدی نداشته و حتی اپراتورها هم به علت رایگان بودن آن درآمدی از شاد ندارند. [شهروند آنلاین] درآمد ۱۵ میلیاردی آموزش و پرورش از شبکه شاد تکذیب شد. مدیرکل دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت آموزش و پرورش برخی اظهارات منتسب به او مبنی بر کسب درآمد ماهانه ۱۵ میلیاردی این وزارتخانه از شبکه شاد را رد کرد. محمود حبیبی بر این باور است که پهنای باند خوبی برای شاد در نظر گرفته شده است و این شبکه با محدودیت پهنای باند ندارد.

حبیبی از کاروی زیرساخت‌های نرم‌افزاری شبکه شاد خبر داد: «مباحث تکنولوژیک است و چندان به پهنای باند مرتبط نیست». او از راه‌اندازی چندین قطب هاستینگ در سطح کشور گفت: «سعی بر این است تنها زیرساخت تهران نباشد». مدیرکل دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت آموزش و پرورش درآمد ۱۵ میلیارد تومانی وزارت آموزش و پرورش را تکذیب کرد: «وزارت آموزش و پرورش درآمدی از شبکه شاد ندارد».

به باور آموزش و پرورش برنامه‌ای مبنی بر درآمد زالی از شبکه شاد نداشته است: «از زمانی که شاد راه‌اندازی شده، هیچ‌گونه درآمدی از این محل عاید این وزارتخانه نشده است». حبیبی چنین مباحثی را یک سوپر برداشت رسانه‌ای عنوان کرد: «زمانی بحث رایگان شدن یک سوم اینترنت برای شبکه شاد مطرح بود، شاید این شائبه همان زمان مطرح شده باشد». او ادامه داد: «با این حال آموزش و پرورش هیچ‌گاه محل اینترنت مصرفی شاد درآمدی نداشته و حتی اپراتورها هم به علت رایگان بودن آن درآمدی از شاد ندارند».

# نت پاییزی

## آخرین برگ ریزون قرن!

۸ مگ ۶ ماهه

۱۰۰۰ گیگ داخلی

۵۰۰ گیگ بین الملل

+ ۲۵ گیگ شبانه

۳۰۰ هزار تومان

ثبت نام / تصدیق

۱۶ مگ ۶ ماهه

۲۰۰۰ گیگ داخلی

۱۰۰۰ گیگ بین الملل

+ ۵۰ گیگ شبانه

۳۹۰ هزار تومان

ثبت نام / تصدیق

۴ مگ ۳ ماهه

۱۰۰ گیگ داخلی

۵۰ گیگ بین الملل

سرورس دانش آموزی

۳۹ هزار تومان

ثبت نام / اولیه

۸ مگ ۶ ماهه

۱۵۰ گیگ داخلی

۷۵ گیگ بین الملل

۹۰ هزار تومان

ثبت نام / اولیه

asiatech.ir ۱۵۴۴ ۹۱۰۱۰۰۰۰

آسیاتک asiatech

ذاری مجوز FCP به شماره ۱۰۰-۹۴-۱۶۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی